



## سخنرانی در دیدار جمع کثیری از بانوان کشور - 26 دی / 1368

بسم الله الرحمن الرحيم

متقابلاً این روز فرخنده و مبارک و این میلاد با عظمت را - که هم ولادت با سعادت بانوی بزرگ عالم خلقت در طول تاریخ، فاطمه‌ی اطهر و صدیقه‌ی طاهره (سلام الله علیها) و هم روز مولود مسعود فرزند شایسته و عظیم‌الشان آن بزرگوار، امام امت و رهبر انقلاب اسلامی است - به هم‌هی شما خواهران و زنان مؤمن، مخصوصاً به خانواده‌های شهدا، مادران و همسران و خواهران شهیدان عزیزمان تبریک عرض می‌کنم.

شخصیت زهراي اطهر، در ابعاد سياسي و اجتماعي و جهادي، شخصیت ممتاز و برجسته‌ی است؛ به طوری که همه‌ی زنان مبارز و انقلابی و برجسته و سیاسی عالم می‌توانند از زندگی کوتاه و پرمغز او درس بگیرند. زنی که در بیت انقلاب متولد شد و تمام دوران کودکی را در آغوش پدری گذراند که در حال یک مبارزه‌ی عظیم جهانی فراموش نشدنی بود. آن خانمی که در دوران کودکی، سختی‌های مبارزه‌ی دوران مکه را چشید، به شعب ابی‌طالب برده شد، گرسنگی و سختی و رعب و انواع و اقسام شدت‌های دوران مبارزه‌ی مکه را لمس نمود و بعد هم که به مدینه هجرت کرد، همسر مردی شد که تمام زندگی‌اش جهاد فی‌سبیل‌الله بود و در تمام قریب به یازده سال زندگی مشترک فاطمه‌ی زهرا و امیرالمؤمنین (علیهما السلام)، هیچ سالی، بلکه هیچ نیم سالی نگذشت که این شوهر، کمر به جهاد فی‌سبیل‌الله بسته و به میدان جنگ نرفته باشد و این زن بزرگ و فداکار، همسری شایسته‌ی یک مرد مجاهد و یک سرباز و سردار دایمی میدان جنگ را نکرده باشد.

پس، زندگی فاطمه‌ی زهرا (س)، اگر چه کوتاه بود و حدود بیست سال بیشتر طول نکشید؛ اما این زندگی، از جهت جهاد و مبارزه و تلاش و کار انقلابی و صبر انقلابی و درس و فراگیری و آموزش به این و آن و سخنرانی و دفاع از نبوت و امامت و نظام اسلامی، دریای پهنای از تلاش و مبارزه و کار و در نهایت هم شهادت است. این، زندگی جهادی فاطمه‌ی زهراست که بسیار عظیم و فوق‌العاده و حقیقتاً بی‌نظیر است و یقیناً در ذهن بشر - چه امروز و چه در آینده - یک نقطه‌ی درخشان و استثنایی است.

اما مقام معنوی این بزرگوار، نسبت به مقام جهادی و انقلابی او، باز به مراتب بالاتر است. فاطمه‌ی زهرا (س) به صورت، یک بشر و یک زن، آن هم زنی جوان است؛ اما در معنا، یک حقیقت عظیم و یک نور درخشان الهی و یک بنده‌ی صالح و یک انسان ممتاز و برگزیده است. کسی است که رسول اکرم به امیرالمؤمنین (علیهما السلام) فرمود: "یا علی ... انت قائد المؤمنین الی‌الجنة ... و فاطمه قد اقبلت یوم القیامه ... تقود مؤمنات امتی الی‌الجنة".

یعنی در روز قیامت، امیرالمؤمنین (ع) مردان مؤمن را و فاطمه‌ی زهرا (س) زنان مؤمن را به بهشت الهی راهنمایی می‌کنند. او، عدل و همپایه و همسنگ امیرالمؤمنین است. آن کسی که وقتی در محراب عبادت می‌ایستاد، هزاران فرشته‌ی مقرب خدا، به او خطاب و سلام می‌کردند و تهنیت می‌گفتند و همان سخنی را بیان می‌کردند که فرشتگان، قبلاً به مریم اطهر گفته بودند؛ عرض می‌کردند: "یا فاطمه ان الله اصطفاک و طهرک و اصطفاک علی نساء العالمین". این، مقام معنوی فاطمه‌ی زهراست.

زنی، آن هم در سنین جوانی، از لحاظ مقام معنوی به جایی می‌رسد که بنابر آنچه که در بعضی از روایات است، فرشتگان با او سخن می‌گویند و حقایق را به او ارایه می‌دهند. محدثه است؛ یعنی کسی است که فرشتگان با او حدیث می‌کنند و حرف می‌زنند. این مقام معنوی و میدان وسیع و قله‌ی رفیع، در مقابل همه‌ی زنهای آفرینش و عالم است. فاطمه‌ی زهرا (س) در قله‌ی این بلندای عظیم ایستاده و به همه‌ی زنان عالم خطاب می‌کند و آنها را به پیمودن این راه دعوت می‌نماید.

آنهایی که در طول تاریخ - چه در جاهلیت قدیم و چه در جاهلیت قرن بیستم - سعی کرده‌اند که زن را تحقیر و



کوچک کنند و او را دلبسته به همین زخارف و زینتهای ظاهری معرفی نمایند و پایبند مد و لباس و آرایش و طلا و زیور آلات کنند و وسیله و دست مایه‌ی برای خوشگذرانیهای زندگی وانمود نمایند و عملاً در این راه قدم بردارند، منطق آنها منطقی است که مثل برف و یخ، در مقابل گرمای خورشید مقام معنوی فاطمه‌ی زهرا (علیهاالسلام) ذوب می‌شود و از بین می‌رود.

اسلام، فاطمه - آن عنصر برجسته و ممتاز ملکوتی - را به عنوان نمونه و اسوه‌ی زن معرفی می‌کند. آن، زندگی ظاهری و جهاد و مبارزه و دانش و سخنوری و فداکاری و شوهرداری و مادری و همسری و مهاجرت و حضور در همه‌ی میدانهای سیاسی و نظامی و انقلابی و برجستگی همه‌جانبه‌ی او که مردهای بزرگ را در مقابلش به خضوع و اداری می‌کرد، این هم مقام معنوی و رکوع و سجود و محراب عبادت و دعا و صحیفه و تضرع و ذات ملکوتی و درخشندگی عنصر معنوی و همپایه و هموزن و همسنگ امیرالمؤمنین و پیامبر بودن اوست. زن، این است. الگوی زنی که اسلام می‌خواهد بسازد، این است.

همه‌ی ما، بخصوص زنهای این جامعه، باید حقگزار و قدردان رسالت و پیام آن رهبر و پیشوای فقید عظیم‌الشأنی - یعنی امام بزرگوار (ره) - باشیم که با قیام و حرکت خود و با مطرح کردن ارزشها و عظمت‌های اسلامی و درخشندگیهای شخصیت‌های صدر اسلام - از جمله فاطمه‌ی زهرا (علیهاالسلام) - ما و بیش از همه زنهای ما را زنده کرد.

زن، در جامعه‌ی خود باخته‌ی نظام پلید پادشاهی، حقیقتاً و از همه‌ی جوانب مظلوم بود. اگر زن می‌خواست وارد مقوله‌ی علم بشود، باید قید دین و تقوا و عفاف را می‌زد. مگر یک خانم مسلمان، در دانشگاهها و محیط‌های آموزشی و مراکز علمی و فرهنگی می‌توانست به آسانی حجاب و متانت و وقار خود را حفظ کند؟ مگر ممکن بود؟ مگر می‌شد یک زن مسلمان، در خیابانهای تهران و بعضی از شهرهای دیگر، با متانت و وقار اسلامی یا حتی با حجاب نیمه‌کاره، راحت راه برود و از گزند زبان و حرکت هرزگان و دلباختگان به فساد و فحش‌های سوغات غرب، مصون بماند؟ کاری کرده بودند که در این مملکت، کسب علم برای زنها غالباً ممکن نمی‌شد. موارد استثنایی را کاری ندارم. به طور غالب، رفتن زنان به وادی علم میسر نمی‌شد؛ مگر با برداشتن حجاب و منصرف شدن از تقوا و وقار اسلامی!

در میدان سیاست و در زمینه‌ی فعالیتهای اجتماعی هم همین طور بود. اگر زنی می‌خواست منصبی از مناصب اجتماعی و سیاسی را در ایران دوران پادشاهی دارا باشد، باید قید حجاب و عفاف و وقار و متانت زن اسلامی را می‌زد. البته، بسته به این بود که خود این زن، جوهر و استعدادش چگونه باشد. اگر خیلی سست عنصر بود، باید تا آن اعماق می‌لغزید. اگر خوددار و خویشتندار بود، تا حدودی خود را حفظ می‌کرد؛ اما دایماً با فشارهای روزافزون از سوی محیط اجتماعی روبه‌رو بود. جامعه‌ی ما، این گونه بود.

اسلام و انقلاب و امام آمد و در این کشور، زن را در مرکز فعالیتهای سیاسی قرار دادند و پرچم انقلاب را به دست زنان سپرد؛ در حالی که زن در همان حال توانست حجاب و وقار و متانت اسلامی و عفاف و دین و تقوای خود را حفظ کند. کسی حقی از این بزرگتر بر گردن زن ایرانی و مسلمان ندارد.

خواهران من! دنیای غرب، زن را به ابتدال کشاند. تا شصت، هفتاد سال قبل از این، در تمام اروپا و کشورهای غربی، زن فقط در سیطره‌ی مرد - یا مرد خود و یا یک مرد دیگر مثل صاحب کارخانه و مزرعه - می‌توانست باشد و هیچ حقی از حقوق اصلی یک انسان در یک جامعه‌ی متمدن را نداشت. حق رأی و حق مالکیت و حق معامله نداشت. بعد آمدند زن را به میدان کار و زندگی و فعالیت اجتماعی کشاندند؛ اما در همان حال، تمام وسایل را برای لغزش زن فراهم کردند و او را در متن جامعه، رها و بی‌پناه گذاشتند.

سرمایه‌داران بزرگ، سیاستمداران خبیث و پلید و گردانندگان دستگاه‌های مخفی، فکر کردند که می‌توانند برای



کارهای سیاسی و اقتصادی، از این وضعیت بهتر استفاده کنند و زن را به ابتدال بکشانند. بله، در آن جاها، علم و سیاست هم هست و زنها در میدان علم و سیاست هم جلو می‌روند؛ اما به چه قیمتی؟ همین حالا هم توده و عامه‌ی زنها - نه چهار نفر خانم دکتر یا متخصص یا نویسنده و برجستگان و زبندگان - در کشورهای اروپایی و امریکایی که از تمدن غربی حظ زیادی دارند، در وضعیت سخت و بی‌رحمانه‌ی زندگی می‌کنند و ستم همسران و ستم کاری که بر آنان تحمیل می‌شود و کارهای سخت و سنگینی که بر دوش آنان می‌گذارند، تحمل می‌کنند. با این کار، وانمود می‌کنند که زن را وارد میدان اجتماع کرده‌اند؛ در حالی که فرصت اندیشیدن و فکر کردن و تصمیم گرفتن هم برای آنان وجود ندارد.

به برکت انقلاب، زن ایرانی در راه بسیار خوبی افتاد. امروز، زن ایرانی می‌تواند در میدان علم وارد بشود و مدارج علمی را طی کند؛ در حالی که دین و عفاف و تقوا و وقار و متانت و شخصیت و حرمت زن مسلمان را هم حفظ کرده باشد. الان در بین همین جمع شما، چه قدر دانشجویان و اساتید و دانشمندان زن وجود دارند؟ همچنین زن می‌تواند در میدان علوم و آگاهی‌های دینی وارد بشود؛ بدون این که هیچ مانعی بر سر راهش باشد. الان در بین همین جمع شما، عده‌ی کثیری از طلاب و دانشجویان و مدرسان و اساتید علوم دینی هستند که در میدان فقه اسلامی و بینش دینی تحصیل می‌کنند. امام بزرگوارمان هم به این مسأله بسیار اهمیت می‌دادند و به همین خاطر دستور دادند که این مؤسسه‌ی قم تأسیس شود.

امروز، زن در کشور ما می‌تواند در میدان سیاست و فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و جهادی و کمک به مردم و انقلاب و حضور در میدانهای گوناگون، شخصیت خودش را با حفظ متانت و وقار و حجاب اسلامی نشان بدهد. تمام دنیای غرب و مطبوعات آنها و این نویسندگان قلم‌به‌مزد و عامل سرمایه‌داران و صهیونیستهای بزرگ جهانی، دست به دست هم داده‌اند تا جمهوری اسلامی را هلو کنند. مسأله‌ی حجاب را مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند تا شاید ما را از میدان خارج کنند. علی‌رغم تبلیغات آنها، ایران اسلامی و زن مسلمان، پایبندی خود را به مسأله‌ی حجاب و حیثیت اسلامی زن مسلمان و آموزش اسلام در مورد زن، با قدرت و قاطعیت و روح اعتماد و اطمینان به خود حفظ کرد و امروز دنیای غرب است که تدریجاً به سمت حجاب اسلامی متمایل می‌شود.

می‌بینید که زنان و مسلمانان در کشورهای گوناگون - چه کشورهای اسلامی که در آنها خبری از حجاب نبود و در تعلیمات غربی غرق شده بودند و چه حتی کشورهای اروپایی - به سمت حجاب رو می‌کنند. البته، اول مسلمانان گرایش خود را نشان دادند و ما بعد از پیروزی انقلاب دیدیم که کشورهای دوردستی که تحت تأثیر و مجذوب فرهنگ غربی و اروپایی بودند، حجاب به سبک حجاب شما زنان ایران را در بین خود آزمایش می‌کردند و به آن رو آورده بودند و آوردند. این، پیشرفت شماس است.

زنهای مؤمن در جامعه‌ی ما سعی کنند قدر زن ایرانی مسلمان را بدانند. ارزش زن اسلامی و مسلمان را بدانید. زنی که در اختلاط و معاشرت، با مرد قاطی نمی‌شود و خود را وسیله‌یی برای جلب چشم مرد نمی‌داند و خود را بالاتر از این می‌داند؛ زنی که شائش را عزیزتر از این می‌شمارد که خود را عریان کند و با صورت و موی و بدن خود، چشم روندگان را به سمت خویش جلب کند و هوس آنها را اشباع نماید؛ زنی که خود را در دامنه‌ی قله‌یی می‌داند که در اوج آن، فاطمه‌ی زهرا (س) - بزرگترین زن تاریخ بشر - قرار دارد؛ آن زن، زن مسلمان ایرانی است. این زن باید دیگر از این بازیچه‌های فراهم آمده‌ی تمدن غربی و روشهای توطئه‌آمیز آن، رو بگرداند و به آن بی‌اعتنایی کند. در رژیم گذشته، با این که جمع کثیری از زنها، هم بی‌سواد بودند و هم از مسایل اجتماعی چیزی سرشان نمی‌شد - یعنی نمی‌گذاشتند چیزی سرشان بشود - و هم به سرنوشت کشور بی‌علاقه بودند و اصلاً نمی‌دانستند که زن می‌تواند در سرنوشت کشور دخالت داشته باشد، با وجود اینها از لحاظ ظاهر، شبه اروپایی و گاهی هم روی دست زنهای غربی و اروپایی زده بودند و وقتی کسی نگاهشان می‌کرد، خیال می‌کرد که این زن الان از یک کشور اروپایی و



از يك محيط غربي وارد ايران شده است؛ اما اگر با او دو كلمه صحبت مي‌كردی، مي‌ديدي كه يك خانم بي‌سواد و يا كم سوادي است!

زن را وادار مي‌كردند كه به وسيله‌ي جلوه‌گري و جلب چشمها به سمت خود، براي خويش يك شخصيت كاذب درست كند. اين، براي زن انحطاط بود و پيشرفت نبود. آيا جنايتي بزرگتر از اين نسبت به زن وجود دارد كه بيايند سر او را با آرايش و مد و جلوه‌گري و لباس و طلا و زيورآلات بند كنند و از او به عنوان يك ابزار و وسيله، در راه مقاصد گوناگون استفاده كنند و نگذارند در ميدان سياست و اخلاق و تربيت وارد بشود؟ اين، آن كاري است كه در رژيم گذشته، دقيقا و با برنامه انجام مي‌گرفت.

انقلاب آمد و رفتار خانمها و جهت حركت زنهاي کشور ما را صد و هشتاد درجه عوض كرد؛ يعني پشت به آن سمت و رو به سمت نور و رشد و فهم علمي و اخلاقي و سياسي و حضور در ميدانها و رشد شخصيتهاي بشري و فايده بخشيدن براي جامعه به معنای واقعي. مواظب باشيد از اين راه برنگرديد. زنها مواظب باشند اين راه مبارك انقلاب را گم نکنند. امروز، سرگرم شدن به زر و زيور، براي زن مسلمان ايراني انقلابي عيب است. امروز، پر كردن سر و سينه و دست از زيورآلات و بت قرار دادن زيور و آرايش و مد و لباس، براي زن انقلابي مسلمان ايراني ننگ است. آن كسي كه در پي اين گونه چيزهاست، ارزشش پايين است. طلا، براي زن ارزش آفرين نيست؛ بي‌اعتنايي به طلا، ارزش آفرين است. مد، براي زن ارزش آفرين نيست؛ بي‌اعتنايي نسبت به مدهاي دام‌گونه‌ي ساخته و پرداخته‌ي دشمنان، براي زن ارزش است.

زن مسلمان، شخصيت خودش را پيدا کرده است. مواظب باشيد اين شخصيت را گم نکنند. ازدواجها در دوران انقلاب و به برکت آن آسان شد؛ چون تشريفات و سختگيريها كم شد. نگذاريد دوباره به خانه‌ي اول برگرديم. پدران و مادران، نسبت به مقدمات غير لازم ازدواج سختگيري نکنند؛ جوانان كه سختگيري بي ندارند. بگذارند ازدواج اسلامي انجام بگيرد. بگذارند ازدواج براي دختر مسلمان و زن جواني كه در محيط اسلامي است، مثل ازدواج فاطمه‌ي زهرا (س) باشد؛ ازدواجي با پيوند عشقي معنوي و الهي و جوششي بي‌نظير ميان زن و مرد مؤمن و مسلمان و همكاري و همسري به معنای واقعي بين دو عنصر الهي و شريف، اما بيگانه از همه‌ي تشريفات و زر و زيورهاي پوچ و بي‌محتوای ظاهري. اين است ازدواج درست زن مسلمان و تربيت فرزند و اداره‌ي محيط خانه و البته انديشيدن و پرداختن به همه چيز جامعه و دين و دانش و فعاليت اجتماعي و سياسي. اسلام، اين است. خواهران من بدانند كه امروز دنيا به سمت اسلام حركت مي‌كند. اينها شعار نيست. اين، واقعيت است. امروز مي‌بينيد كه برادران ما در همين منطقه‌ي آذربايجان مربوط به شوروي، چه علاقه‌ي اسلامي‌ي از خود نشان مي‌دهند. اگر كسي تصور كند يا قلمداد نمايد كه انگيزه‌ي اين حركتها، احساسات قومي و ملي است، به شدت اشتباه کرده است. احساسات، احساسات اسلامي است و رهبران کشور شوروي هم بايد با واقع‌بنيني به اين مطلب توجه كنند كه اين احساسات، احساسات اسلامي است و لذا براي يك ميليارد مسلمان جاذبه دارد. مبدا برخورد با اين احساسات، برخورد غلط و ناشيانه‌ي باشد.

رهبري شوروي، با تجديد نظر در روشهاي قديمي، شجاعت قابل تحسيني از خود نشان داد و ملتها امروز مي‌توانند عقايد و ايمان و بطون رحي و قلبي و ايماني خود را بروز بدهند. ما احساسات اسلامي برادران مسلماناني كه بيش از هفتاد سال، به زور از اسلام دور مانده بودند و دوباره به اسلام گرايش پيدا کرده‌اند و احساسات خود را نشان مي‌دهند، قدر مي‌شناسيم و ارج مي‌گذاريم. مبدا رهبران شوروي، با تحليل غلط نسبت به اين احساسات اسلامي، برخورد خشن و نادرستي بکنند. اين، اسلام است. اسلام، خاموش شدني كه نيست. اسلام، متجاوز و ظالم هم نيست. اسلام، امر به عدل و انصاف مي‌كند و جامعه‌ي اسلامي در سراسر دنيا، عاشق عدل و انصاف است. راه برخورد با مسلمانان در همه جاي دنيا، عدل و انصاف مي‌باشد و اين، هدف بزرگ اسلامي است.



امروز بحمدالله اسلام و همه‌ی افکار اسلامی - از جمله آنچه که مربوط به زن است - در دنیا درخشنده است. امیدواریم که خدای متعال به ما توفیق بدهد تا بتوانیم این اسلام را درست بشناسیم. من به شما بانوان مسلمان و انقلابی سفارش می‌کنم که هر چه می‌توانید و در هر کجا که هستید، ایمان و معرفت اسلامی خود را رشد و عمق بدهید و روزه‌روز آگاهی خودتان را بیشتر کنید. این، ان شاءالله پشتوانه‌ی برای بقای عزت دائمی اسلام خواهد بود.

والسلام علیکم ورحمه‌الله و برکاته